

رویکرد قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی به مبنای مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری

علی زارع**

محمدرضا حسین پور*

چکیده

برخی از دانش‌های فنی که تحت مالکیت شخصی قرار دارند به دلیل داشتن شرایط خاص، دارای وصف محرمانگی هستند؛ به گونه‌ای که به خاطر محرمانگی دارای ارزش تجاری می‌شوند. به همین دلیل، قسمت (ب) از بند ۲ ماده ۳۹ موافقت‌نامه تریپس شرط لازم برای حفاظت از این‌گونه اطلاعات را داشتن وصف محرمانگی که منجر به ارزش تجاری شود دانسته است. لذا باید با ایجاد قوانین و اصول حقوقی در سطوح داخلی و بین‌المللی از افشای آن‌ها جلوگیری کرد. حال این سوال مطرح است که در صورت افشای این‌گونه از اطلاعات و ورود خسارات، بر اساس چه مبنایی باید مسئول جبران را تعیین کرد؟ افشای اسرار تجاری و ورود خسارات ناشی از آن در میان قالب‌های قراردادی از نظام مالکیت فکری محور، بیشتر متوجه قرارداد ليسانس یا همان اعطای مجوز بهره‌برداری از دانش فنی است، زیرا مجوز بهره‌برداری تجاری از دانش فنی، بدون انتقال حقوق مالکانه، ارائه می‌شود. لذا فرض بر این است که با توجه به ماده ۴۵ موافقت‌نامه تریپس و قوانین داخلی از جمله ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، چنانچه شخصی در اثر افشای اطلاعات محرمانه که دارای ارزش تجاری باشد، مشتریانش در معرض از بین رفتن باشد می‌تواند به منظور جلوگیری از استمرار هر چه بیشتر خسارات مادی و

* دانشجوی دوره دکتری تخصصی حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. dr.hosseinpour7@gmail.com

** استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق هیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول) dr.alizare@gmail.com

معنوی، موقوف شدن عملیات را خواسته (نظریه خطر یا فرض بر تقصیر) و در صورت اثبات تقصیر، مطالبه خسارت کند.

واژگان کلیدی: اسرار تجاری، مبنای مسئولیت، مسئولیت مدنی، موافقت‌نامه تریپس.

مقدمه

حمایت از حق اشخاص در حفظ اسرار، به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین شهروندی از ضرورت‌های جامعه امروز به شمار می‌رود. حمایت مدنی از این اطلاعات، یکی از بخش‌های جدایی‌ناپذیر حمایت از این حق است و تعیین مبنایی قانونی لازمه این حمایت است که در نظام‌های حقوقی مختلف، به انواع متفاوتی اعمال می‌شود؛ همانند کشور انگلیس که در سال‌های اخیر، پارلمان این کشور قلمرو حفظ اطلاعات و داده‌های اشخاص را با وضع قوانین، گسترش داده است. ولی در حقوق ایران حمایت‌های لازم از سوی قانون‌گذار، صورت نگرفته است که این موضوع در رابطه با امور تجاری و علی‌الخصوص در زمینه مالکیت‌های فکری، از اهمیت دوچندانی برخوردار است، زیرا میزان خسارات وارده در این امور، قابل‌توجه است.

در کشورهای دارای نظام حقوقی نوشته مانند فرانسه، سوئیس، آلمان، مصر، لبنان و ایران منبع و نیروی الزام‌آور این مسئولیت، عمدتاً ناشی از قانون است. در حوزه مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری و مبنای آن در نظام حقوقی ایران با کمبود منابع علمی - پژوهشی مواجه هستیم. به همین دلایل در این پژوهش سعی در ارائه مطالبی نوین و کاربردی شده تا با بررسی قوانین و قواعد داخلی و موافقت‌نامه‌ها و معاهدات بین‌المللی، راهکارهای مناسبی به دست آید و مبنای این مسئولیت تعیین شود. بر اساس بند الف از ماده ۱ قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» ایران مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۰۶، اطلاعات را این‌گونه تعریف می‌کند: «هر نوع داده که در اسناد مندرج باشد یا به صورت نرم‌افزاری ذخیره گردیده و یا با هر وسیله دیگری ضبط شده باشد» که اطلاعات و اسرار تجاری را نیز دربرمی‌گیرد و باید برای تعیین محدوده حریم این‌گونه اطلاعات، علاوه بر قوانین، به عرف و مصلحت تجاری و اوضاع و احوال

موضوع نیز توجه شود. از جمله مهم‌ترین مواد قانون مذکور در رابطه با موضوع مورد پژوهش مواد ۱۴-۱۵-۱۶ و ۲۱ است که قانون‌گذار در ماده ۲۱ از قانون مذکور صراحتاً به موضوع مسئولیت مدنی ناشی از انتشار اطلاعات غیر واقعی اشخاص پرداخته و علی‌رغم اینکه اطلاعات مورد نظر در این پژوهش، اطلاعات واقعی تجاری است بررسی این مواد در تعیین خط‌مشی کلی قانون‌گذار، در تعیین مبنای مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری، قابل توجه است.

از جمله مهم‌ترین منابع قانونی در حقوق ایران و به‌عنوان یک قانون عام در رابطه با موضوع مسئولیت مدنی، قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ است که مواد ۱ و ۸ از این قانون مورد توجه است، زیرا ماده ۱ از قانون مذکور به‌عنوان یک قاعده عام، مبنای مسئولیت مدنی را به‌طور کلی مبتنی بر نظریه تقصیر می‌داند. منتها با توجه به اینکه قانون‌گذار در برخی از موارد از بابت حمایت از زیان‌دیده و مصالح دیگر، مسئولیت بدون تقصیر را هم پذیرفته (همانند مسئولیت ناشی از حوادث رانندگی) می‌توان در برخی از موارد و به دلیل وجود شرایط خاص، به دنبال مبنای دیگری بود که از جمله این موارد می‌تواند موضوع افشای اسرار تجاری باشد. دیگر منبع قانونی و بین‌المللی در این رابطه، یکی از موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت^۱، با عنوان موافقت‌نامه راجع به حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت (ترپس)^۲ است، زیرا موضوع مالکیت‌های فکری تجاری و فن‌آوری را نمی‌توان به‌عنوان یک کالا در نظر گرفت و حقوق و تکالیف آن را مشمول کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ دانست. لذا مهم‌ترین منبع قانونی بین‌المللی در این زمینه موافقت‌نامه فوق‌الذکر است که در مواد ۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۵ آن صراحتاً به موضوع مورد پژوهش پرداخته شده است. مهم‌ترین مواد مرتبط آن، مواد ۳۹ و ۴۵ است و از آن جایی که ایران در صدد عضویت در آن سازمان و پیوستن به این موافقت‌نامه است بررسی آن از اهمیت دوچندانی برخوردار است. از جمله موضوعاتی که در این موافقت‌نامه مورد بررسی و تحت

1. World Trade Organization (WTO)

2. The Agreement of Trade Related Aspects of Intellectual property (TRIPS)

حمایت قرار گرفته است موضوع حفاظت از اسرار تجاری و کنترل رویه‌های ضد رقابتی است. ماده ۴۵ این موافقت‌نامه می‌تواند مستند و منبع قانونی بین‌المللی برای تعیین مبنای مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری باشد.

یکی دیگر از قوانین مورد توجه در رابطه با موضوع مورد پژوهش قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۰۸/۰۷ است و از آن جایی که موضوع افشای اسرار تجاری می‌تواند مربوط به بهره‌برداری از یک اختراع یا طرح صنعتی باشد، باید در رابطه با تعیین مبنای مسئولیت مدنی مورد بررسی قرار گیرد، زیرا قانون‌گذار در برخی از مواد این قانون آثاری بر افشای این اطلاعات مقرر داشته که تعیین مبنای متناسب با این آثار مهم است. از جمله مواد مرتبط با موضوع مورد پژوهش در این قانون، مواد ۲۱-۵۰-۵۴ و ۶۰ است که در ماده ۲۱، قانون‌گذار مهم‌ترین اثر افشای طرح‌های صنعتی را بیان کرده است.

در این پژوهش خسارات به دو دسته «زیان‌های آنی» و «زیان‌های مستمر» تقسیم شده است: «زیان‌های آنی به آن دسته از خسارات گفته می‌شود که اثر اصلی فعل زیان‌بار در یک زمان رخ می‌دهد و شخص زیان‌دیده را در همان زمان واحد متحمل خسارت می‌کند؛ هرچند که ممکن است در آینده منجر به ورود خسارات فرعی گردد». «زیان‌های مستمر به آن دسته از خسارات گفته می‌شود که اثر اصلی فعل زیان‌بار به صورت مستمر و در طول زمان به وقوع می‌پیوندد به گونه‌ای که تا زمان جلوگیری از استمرار آن، خسارات افزایش می‌یابد و باید با تمهیدات حقوقی، در اسرع وقت از استمرار آن جلوگیری نمود». لازم به ذکر است که خسارات ناشی از افشای اسرار تجاری، از نوع زیان‌های مستمر است که یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه برای تعیین مبنای مسئولیت مدنی ناشی از آن است.

در این پژوهش این سوال مطرح است که در صورت افشای اسرار تجاری و ورود خسارات، با استناد به منابع قانونی داخلی و بین‌المللی بر اساس چه مبنایی باید مسئول جبران را تعیین نمود؟ فرض بر این است که با توجه به ماده ۴۵ موافقت‌نامه تریپس و قوانین داخلی از جمله ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، چنانچه شخصی در اثر

افشای اطلاعات محرمانه تجاری، مشتریانش در معرض از بین رفتن باشد می‌تواند به منظور جلوگیری از استمرار هر چه بیشتر خسارات مادی و معنوی، موقوف شدن عملیات را خواسته (نظریه خطر یا فرض بر تقصیر) و در صورت اثبات تقصیر، مطالبه خسارت کند. لذا مطالب این پژوهش در قالب دو بخش قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. قوانین داخلی

در حقوق ایران به‌طور صریح و روشن از اسرار تجاری حمایت نشده است منتها در قانون مسئولیت مدنی، موادی وجود دارد که می‌توان با استناد به آن‌ها، از اسرار تجاری، تحت شرایطی حمایت به عمل آورد (میرحسینی، ۱۳۸۵: ۲۲۶). مهم‌ترین قانون در عرصه مسئولیت مدنی در ایران، قانون «مسئولیت مدنی» سال ۱۳۳۹ است که برخی از مواد آن مرتبط با موضوع مورد پژوهش است. از دیگر قوانین مرتبط، قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» سال ۱۳۸۷ است که هر دوی این قوانین هرچند به‌طور مستقیم به اسرار تجاری و افشای آن‌ها اشاره نکرده‌اند، منتها به دلیل عمومیت و کلیت آن‌ها، قابل استناد در این زمینه هستند. بررسی قانون «ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری» سال ۱۳۸۶ به دلیل ارتباط موضوعات آن با قراردادهای لیسانس، حائز اهمیت است. با جمع بین تمامی این قوانین و تلاش در راستای ایجاد وحدت در نظام حقوق داخلی، می‌توان مبنایی حقوقی و منطبق با شرایط و اوضاع و احوال موضوع را استنتاج و استخراج کرد.

۱-۱. قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹

حقوق مسئولیت مدنی در ایران آمیزه‌ای از حقوق اسلام و اروپاست، زیرا اگرچه قانون مدنی را بر اساس حقوق اسلامی نوشته‌اند ولی قانون مسئولیت مدنی (مصوب سال ۱۳۳۹) با الهام از حقوق اروپا نوشته شده است (بهرامی احمدی، ۱۳۹۴: ۴۵). با استناد به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، ایراد لطمه به افراد به نحوی که موجب ضرر مادی یا

معنوی شود، مستلزم پرداخت خسارت است. اسرار تجاری که جزئی از موضوعات در مالکیت صنعتی است امروزه به‌عنوان مال شناخته شده و لذا تجاوز به این حق از ناحیه هر کسی باشد مستلزم جبران ضرر و زیان خواهد بود (وصالی محمود، ۱۳۷۸: ۶۹).

ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع، به حیثیت و اعتبارات موقعیت دیگری زیان وارد آورد، مسئول جبران آن است. شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسایل مخالف با حسن نیت، مشتریانش کم و یا در معرض از بین رفتن باشد، می‌تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته، در صورت اثبات تقصیر، زیان وارده را از واردکننده مطالبه نماید». در رابطه با تحلیل این ماده این‌گونه بیان می‌داریم که باید ماده مذکور را بر دو قسم تفکیک کرد: قسمت اول که بیان می‌دارد: «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع، به حیثیت و ...» که خارج از موضوع مورد پژوهش است، زیرا انتشارات خلاف واقع به معنی اطلاعات و موارد کذب است چه‌بسا در رابطه با موضوع مورد پژوهش، اطلاعات و موارد صحیح و مطابق با واقعیت که به لحاظ محرمانگی دارای ارزش تجاری هستند مورد نظر است که به دلیل شرایط خاص نباید فاش شوند و در صورت افشای آن‌ها، خسارات چشمگیری به صاحب آن دارایی فکری وارد می‌شود. بنابراین به سراغ بخش دوم از ماده مزبور می‌رویم که مقرر می‌دارد: «شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسایل مخالف با حسن نیت، مشتریانش کم و یا در معرض از بین رفتن باشد، می‌تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و ...». چنانچه افشای اسرار تجاری را از مصادیق وسایل مخالف با حسن نیت بدانیم که جای تردید است می‌توانیم بیان کنیم که مطابق با قسم دوم از این ماده، مبنای مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری، مبتنی بر نظریه تقصیر است، زیرا قانون‌گذار در این قسم از ماده، با بکار بردن عبارت «در صورت اثبات تقصیر» صراحتاً به نظریه تقصیر و لزوم اثبات تقصیر برای مسئول دانستن عامل زیان، اشاره کرده است (حسین پور، ۱۳۹۲: ۶۹). حقوقدانان نیز در گذشته تمایل زیادی به این نظریه داشته‌اند و اصولاً مبنای مسئولیت مدنی را تقصیر شخصی تلقی می‌کردند (Saul Levmore, 1994: 48).

۱-۱-۱. افشای اسرار تجاری و وسایل مخالف با حسن نیت

موضوع حسن نیت از جمله موضوعاتی است که علاوه بر قوانین داخلی و قانون مذکور، در اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون وین سال ۱۹۸۰ میلادی در رابطه با بیع بین‌المللی نیز آمده است؛ به گونه‌ای که در بند ۱ از ماده ۷ این کنوانسیون، صراحتاً بر لزوم رعایت حسن نیت در تجارت بین‌الملل اشاره شده است. لذا به نظر می‌رسد که علی‌رغم اختصاص کنوانسیون وین به عقد بیع و نظام معاملات کالا محور، رعایت حسن نیت به عنوان یک اصل در تمامی حوزه‌های تجارت بین‌الملل، از جمله نظام معاملات مالکیت فکری محور و موضوع اسرار تجاری مورد نظر بوده است. به کار بردن عبارت «تجارت بین‌الملل» در بند ۱ از ماده ۷ کنوانسیون نیز، مؤکد بر همین مطلب است و دبیرخانه‌ی آنسیترال^۱، به دلیل اختلاف نظر در مورد حدود شمول اصل حسن نیت در کلیه مراحل انعقاد قرارداد و به دلیل اختلاف نظر در تعیین مصادیق بند ۲ از ماده ۷ کنوانسیون و اصول کلی که کنوانسیون مبتنی بر آن است، گزارشی مبنی بر تعیین مصادیق مذکور ارائه کرد که رعایت اصل حسن نیت هم به عنوان یک اصل کلی در آن موجود است.

در حقوق ایران در قوانین موضوعه به اصل حسن نیت در قراردادها تصریح نشده و وجود چنین اصلی در حقوق ما قابل تردید است (صفایی، ۱۳۹۲: ۲۸). منتها به عقیده برخی دیگر از حقوقدانان، در نظام حقوقی ایران با توجه به مواد ۲۳۶-۳۹۱-۶۸۰-۱۱۶۴-۱۱۶۵ قانون مدنی و ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، اصل حسن نیت به عنوان یک اصل کلی مورد قبول و پذیرش است (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۴: ۲۰۰) و در صورت پذیرش این اصل در نظام حقوقی ایران، افشای اسرار تجاری به طور قطع از مصادیق وسایل مخالف با حسن نیت است.

۱. کمیسیون داوری سازمان ملل متحد و معروف به C.I.S

۱-۱-۲. زیان‌های مستمر

خسارات ناشی از افشای اسرار تجاری، از نوع زیان‌های مستمر است، زیرا اثر اصلی فعل زیان‌بار، به‌طور مستمر و در طول زمان به وقوع می‌پیوندد که باید به فوریت با موقوف شدن عملیات زیان‌بار از استمرار هر چه بیشتر آن جلوگیری کرد. به‌طور کلی زیان‌های مستمر در رابطه با مالکیت‌های فکری و معنوی و در نظام معاملات مالکیت فکری محور رخ می‌دهد که از جمله آن‌ها می‌توان به خسارات ناشی از افشای اسرار تجاری اشاره کرد، زیرا این استمرار و تشدید خسارات در طول زمان معمولاً در نظام معاملاتی کالا محور به‌صورت خسارات تبعی ملاحظه می‌شود که به تبع خسارات آنی ایجاد شده و متفاوت با خسارات مستمر است. لذا بر اساس ویژگی‌های خاص زیان‌های مستمر و با توجه به قسم دوم از ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی، جهت تعیین مبنای مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری نظرات مختلفی قابل بیان است که عبارت‌اند از:

۱. در قسم دوم از ماده مذکور فرض بر تقصیر شده است به‌گونه‌ای که شخص زیان‌دیده به صرف اثبات رابطه سببیت و ضرر، می‌تواند موقوف شدن عملیات زیان‌بار را بخواهد و بعد از اعمال این راهکار موقتی که در راستای حمایت از زیان‌دیده و اصل ممانعت فوری از زیان‌های مستمر است می‌تواند در صورت اثبات تقصیر زیان وارده را مطالبه کند که البته فرض بر تقصیر و مسئولیت مفروض چندان توجیه قانونی و حقوقی در نظام حقوقی ایران ندارد. استفاده از اماره تقصیر حربه‌ای بود تا ضمن حفظ مبنای تقصیر، در برخی موارد خاص، زیان دیدگان از اثبات تقصیر عامل زیان، معاف شوند این روش که در مواد ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ قانون مدنی ۱۸۰۴ فرانسه نیز پذیرفته شده بود (مبین، ۱۳۹۰: ۷۲).

۲. تفکیک مبنای مسئولیت مدنی در خصوص توقف اعمال زیان‌بار و جبران خسارت و اینکه در مورد اول مسئولیت بدون تقصیر و در مورد دوم مسئولیت مبتنی بر تقصیر باشد، هرچند با ظاهر برخی مواد تا حدودی سازگار است، لیکن هیچ توجیه منطقی و اصولی و حقوقی ندارد. توقف فعل زیان‌بار و جبران خسارت، دو ضمانت

اجرای مختلف در خصوص یک عمل هستند و منطقاً نمی‌تواند برای اعمال ضمانت اجراهای مختلف در خصوص یک فعل، مبنای مسئولیت مدنی، متفاوت باشد. مضافاً اینکه توقف فعل زیان‌بار نیز مستلزم احراز غیرقانونی بودن فعل زیان‌بار است و بر اساس ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۶۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، در صورتی دستور توقف عملیات صادر می‌شود که فعل مزبور غیرقانونی (همراه با تقصیر) باشد. بنابراین توقف عملیات زیان‌بار را نمی‌توان مبتنی بر مسئولیت بدون تقصیر دانست. البته تلاش برای دستیابی به مسئولیت بدون تقصیر، قابل توجه است لیکن از این ماده چنین چیزی برداشت نمی‌شود و ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی به‌طور کلی مبتنی بر نظریه تقصیر است.

۳. قسم دوم ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت ناشی از تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع و سایر وسایل مخالف با حسن نیت را دو حالت یا به عبارت دیگر در دو بخش بیان می‌کند که مبنای مسئولیت مدنی در هر بخش متفاوت است و وجود یک چنین مسئولیتی با دو مبنای متفاوت در رابطه با مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری در قراردادهای لیسانس فن‌آوری در نظام حقوقی ایران به دو دلیل، حائز اهمیت است: ۱. زیان‌های ناشی از افشای اسرار تجاری در قراردادهای لیسانس فن‌آوری از نوع زیان‌های مستمر است و توسل به راهکار موقتی موجود در بخش اخیر قسم دوم ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی الزامی است و ۲. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی که مبنای تقصیر را پذیرفته، یک قاعده عام است که بیشتر موارد مسئولیت مدنی را دربرمی‌گیرد. ولی در مواردی مسئولیت نوعی یا بدون تقصیر در قوانین ما پذیرفته شده است که استثناء بر قاعده عام مذکور و در واقع مخصص آن به شمار می‌آید (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۸۳). قاعده این است که مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر است ولی در بعضی از موارد خاص می‌توان بر مبنای نظریه خطر، اثبات مسئولیت مدنی کرد (Mazeaud, 1985: 424). با توجه به استثنایی بودن مسئولیت بدون تقصیر در نظام حقوقی ایران و نظر به ایرادات وارد بر نظریه تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت مدنی باید به دنبال مبنای دیگری برای مسئولیت مدنی بود

(Ameri and hosseinpour, 2014: 59) که این دشواری در رابطه با خسارات ناشی از افشای اسرار تجاری به دلیل وجود زیان‌های مستمر دوچندان می‌شود. خوشبختانه قانون‌گذار برای رهایی از این دشواری، راهکاری در بخش آخر قسم دوم از ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی ارائه کرده است. همچنین از مفهوم مخالف بخش دوم از قسم دوم از ماده ۸ نسبت به بخش اول عدم نیاز به اثبات تقصیر جهت موقوف شدن عملیات زیان‌بار قابل فهم است. این استدلال را تا حدودی می‌توان با نظریه مختلط در مبنای مسئولیت مدنی مطابقت داد. البته به نظر می‌رسد که نظریه مختلط در رابطه با یک موضوع واحد نیست و در دو موضوع و عنوان مجزا می‌توان یکی را مبتنی بر نظریه خطر و موضوع دیگر را مبتنی بر نظریه تقصیر دانست و همه موارد را نمی‌توان تحت یک نظریه بررسی کرد که در رابطه با ماده ۸ با یک موضوع واحد و دو بخش متفاوت روبرو هستیم. نشانه‌هایی از این استدلال در حقوق تطبیقی نیز وجود دارد که از جمله آنان می‌توان به ژوسران^۱، حقوقدان بزرگ فرانسوی اشاره کرد که بر آن است که مسئولیت دو قطب دارد: تقصیر و خطر که یکی را بر دیگری تفوق نیست یا نظریه پل لوکلرک^۲ که تا حدی دادگاه‌های بلژیک را تحت تأثیر قرار داد، ولی در حال حاضر رد شده است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۷۱).

۱-۲. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات ۱۳۷۸

علاوه بر مواد قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، در حوزه مسئولیت مدنی و در رابطه با موضوع افشای اسرار تجاری، قانون دیگری تحت عنوان «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» قابل بررسی است. مواد ۲۱ و ۲۲ از قانون مذکور تحت عنوان مسئولیت‌های مدنی و کیفری به این موضوع پرداخته است. در ماده ۲۱ و در حوزه مسئولیت مدنی آورده است که: «هر شخص اعم از حقیقی و یا حقوقی که در نتیجه انتشار اطلاعات غیرواقعی درباره او به منافع مادی و معنوی وی صدمه وارد شده

1. Jossierand
2. Paul Leclercq

است حق دارد تا اطلاعات مذکور را تکذیب کند یا توضیحاتی درباره آن‌ها ارائه دهد و مطابق با قواعد عمومی مسئولیت مدنی، جبران خسارت‌های وارد شده را مطالبه نماید». در تحلیل ماده مذکور به نظر می‌رسد هرچند که ماده مذکور در رابطه با اطلاعات اشخاص و انتشار آن و ورود خسارات و مسئولیت ناشی از آن است متنها از موضوع مورد پژوهش خارج است، زیرا افشای اسرار تجاری اشخاص و مسئولیت ناشی از آن، در رابطه با اطلاعات واقعی و تجاری اشخاص و شرکت‌ها است که به دلیل داشتن وصف محرمانگی دارای ارزش تجاری هستند و در صورت افشای آن‌ها خسارات بسیاری بر مالک آن وارد خواهد شد و نه در مورد نشر اکاذیب و افشای اطلاعات غیرواقع. متنها خوشبختانه قانون‌گذار به این نکته نیز توجه داشته و در رابطه با اطلاعات واقعی اشخاص، تبصره‌ای ذیل ماده مذکور آورده است که با بیان است: «در صورت انتشار اطلاعات واقعی برخلاف مفاد این قانون، اشخاص حقیقی و حقوقی حق دارند که مطابق قواعد عمومی مسئولیت مدنی، جبران خسارت‌های وارد شده را مطالبه نمایند» که کاملاً مرتبط با موضوع مورد پژوهش است و از کارایی بسزایی برخوردار است و مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. با توجه به تبصره ذیل ماده ۲۱ از قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات»، در صورت افشای اطلاعات واقعی یا همان اسرار تجاری برخلاف مفاد قانون مذکور، برای تعیین مبنای مسئولیت ناشی از آن، باید به سراغ ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی رفت که به‌عنوان یک قاعده کلی و عام مورد نظر است و مطابق با آن مبنای مسئولیت مدنی در این مورد نظریه تقصیر است، زیرا قانون‌گذار با بکار بردن عبارت «مطابق قواعد عمومی مسئولیت مدنی» صراحتاً چگونگی مطالبه خسارات و تعیین عامل زیان و سایر مسائل مسئولیت مدنی در رابطه با افشای اطلاعات واقعی همانند اسرار تجاری را مطابق با قواعد عمومی مسئولیت مدنی دانسته است.

۱-۳. قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری

با توجه به مواد ۱۵، ۵۰، ۲۱، ۶۰، ۶۱، ۱۷ از قانون مذکور، مبنای مسئولیت مدنی

ناشی از افشای اسرار تجاری را در دو مورد می‌توان بررسی کرد: نخست، موضوع حفاظت از اطلاعات محرمانه تجاری و مبنای مسئولیت مدنی ناشی از افشای آن، به‌طور کلی مورد بررسی قرار می‌گیرد و دوم، موضوع اعطای لیسانس‌های اجباری از سوی دولت و بدون موافقت مالک که موضوع ماده ۱۷ قانون مذکور است مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. لزوم بررسی جداگانه هر یک از این موارد، شرایط خاصی است که قانون‌گذار در رابطه با مسئولیت مدنی دولت و ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر کرده که شرایط و احکام متفاوت آن در ماده ۱۷ از قانون ثبت اختراعات نیز منعکس شده است.

۱-۳-۱. حفاظت از اطلاعات محرمانه تجاری

بسیاری از موضوعات مربوط به اسرار تجاری، مربوط به مجوزهای حقوقی بهره‌برداری از طرح‌های صنعتی و اختراعات است. لذا بررسی برخی از مواد قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری در رابطه با موضوع مورد پژوهش حائز اهمیت است. در برخی از مواد قانون مذکور به موضوع حفاظت و حمایت از اسرار تجاری و عدم افشای آن‌ها اشاره شده است و حتی در مواردی آثار ناشی از افشای آن‌ها بیان شده است. بند ب از ماده ۱۵ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «مالک می‌تواند با رعایت بند (ج) این ماده و ماده (۱۷) علیه هر شخص که بدون اجازه او بهره‌برداری‌های مندرج در بند (الف) را انجام دهد و به حق مخترع تعدی کند و یا عملی انجام دهد که ممکن است منجر به تعدی به حق مخترع شود، به دادگاه شکایت کند».

در فصل چهارم از قانون مذکور و در بخش مقررات عمومی، در ماده ۵۰ در رابطه با حفظ مفاد قرارداد اجازه‌ی بهره‌برداری از اختراع و طرح‌های صنعتی ثبت‌شده، یا علامت ثبت‌شده یا اظهارنامه مربوط به آن‌ها مقرر شده است که: «هرگونه قرارداد اجازه بهره‌برداری از اختراع و طرح‌های صنعتی ثبت‌شده، یا علامت ثبت‌شده یا اظهارنامه مربوط به آن‌ها که به اداره مالکیت صنعتی تسلیم می‌شود. اداره مالکیت صنعتی، مفاد

قرارداد را به صورت محرمانه حفظ ولی اجازه بهره‌برداری را ثبت و آگهی می‌کند. تأثیر این‌گونه قراردادها نسبت به اشخاص ثالث منوط به مراعات مراتب فوق است». لذا قانون‌گذار در ماده مذکور در مقام حمایت از اسرار تجاری برآمده است.

در فصل دوم از قانون مذکور و در رابطه با طرح‌های صنعتی، قانون‌گذار در ماده ۲۱ به یکی از آثار ناشی از افشای اطلاعات محرمانه و اسرار تجاری اشاره و مقرر کرده است که: «طرح صنعتی زمانی قابل ثبت است که جدید و اصیل باشد. طرح صنعتی زمانی جدید است که از طریق انتشار به طور محسوس و یا از طریق استفاده به هر نحو دیگر قبل از تاریخ تسلیم اظهارنامه یا برحسب مورد قبل از حق تقدم اظهارنامه برای ثبت در هیچ نقطه‌ای از جهان برای عموم افشا نشده باشد» که اهمیت حفاظت و حمایت از اطلاعات محرمانه و اسرار تجاری را دوچندان می‌کند، زیرا در صورت افشای آن‌ها خسارات چشمگیری بر مالک طرح صنعتی وارد خواهد شد. یکی از مهم‌ترین مواد قانون مذکور که در رابطه با مبنای مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری از اهمیت بسزایی برخوردار است و در راستای قسم دوم از ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ و دوقطبی شدن مبنای این مسئولیت است. ماده ۶۰ از قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مقرر می‌دارد:

«نقض حقوق مندرج در این قانون، عبارت است از معنای انجام هرگونه فعلیتی در ایران که توسط اشخاصی غیر از مالک حقوق تحت حمایت این قانون و بدون موافقت او انجام می‌گیرد. علاوه بر مالک حقوق تحت حمایت این قانون، هرگاه ثابت شود دارنده اجازه استفاده، از مالک درخواست کرده است تا برای خواسته معینی به دادگاه دادخواست بدهد و مالک امتناع کرده یا نتوانسته آن را انجام دهد. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور دستور جلوگیری از نقض حقوق یا نقض قریب‌الوقوع حقوق، به جبران خسارت مربوط نیز حکم صادر کند و یا تصمیم دیگری جهت احقاق حق اتخاذ نماید». ماده مزبور به مسئولیت ناشی از نقض حقوق مندرج در این قانون که از جمله آن‌ها موضوع ماده ۵۰ و افشای اسرار و اطلاعات محرمانه تجاری مربوط به اختراعات و طرح‌های صنعتی است اشاره کرده است و در دو قسمت به تعیین

چهارچوب‌های این مسئولیت پرداخته است. چنان‌که در قسمت آخر ماده مقرر داشته که: «.....دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور دستور جلوگیری از نقض حقوق یا نقض قریب‌الوقوع حقوق، به جبران خسارت مربوط نیز حکم صادر کند.....» که به نظر می‌رسد چنان‌چه در سابق بیان شد به دلیل وجود زیان‌های مستمر در رابطه با افشای اسرار تجاری، باید مسئولیت مدنی ناشی از آن را در دو قسم بررسی کرد: در قسم اول، با توجه به فوریت جلوگیری از ترویج و اشاعه هرچه بیشتر اطاعات محرمانه تجاری با توسل به راهکار موقتی موجود در بخش آخر قسم دوم از ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی، با جلوگیری از عملیات زیان‌بار برای رسیدن به این مطلوب عمل کرد که در قسمت آخر از ماده ۶۰ قانون ثبت اختراعات نیز قانون‌گذار در مقام بیان این مطلب بوده است و دستور جلوگیری از نقض حقوق یا همان عملیات زیان‌بار را جدای از موضوع مطالبه و جبران خسارات دانسته است و حتی پا را فراتر از سایر قوانین نهاده و نقض قریب‌الوقوع حقوق را هم در نظر گرفته است که با توجه به اهمیت عدم افشای اطلاعات محرمانه تجاری و دشواری جلوگیری از ترویج و گسترش هرچه بیشتر افشاء اطلاعات، مورد حمایت است و قانون‌گذار در این بخش از مسئولیت، اشاره‌ای به اثبات عنصر تقصیر یا وجود علم و عمد نکرده است و این‌گونه استنباط می‌شود که صرف اثبات ورود ضرر و رابطه سببیت برای موقوف کردن عملیات زیان‌بار در این مورد کافی است و مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری، در این مرحله مبتنی بر نظریه خطر یا همان مسئولیت بدون تقصیر است که مطابق با بخش آخر از ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی و متناسب با شرایط و اوضاع و احوال خاص موضوع است.

ماده ۶۱ از قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری نیز هرچند که در مقام حفاظت از اطلاعات محرمانه تجاری برآمده است متنها مربوط به مسئولیت کیفری ناشی از آن است که از موضوع پژوهش خارج است و صرفاً به موضوع جبران خسارات ناشی از جرائم اشاره و مقرر می‌دارد: «هر شخصی که با علم و عمد مرتکب عملی شود که طبق مواد (۱۵)، (۲۸) و (۴۰) نقض حقوق به شمار آید یا طبق ماده (۴۷) عمل غیرقانونی تلقی شود، مجرم شناخته شده و علاوه بر جبران خسارت به

پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه یا هر دو آن‌ها محکوم می‌شود».

۱-۳-۲. افشای اسرار تجاری و اعطای لیسانس اجباری از سوی دولت

بر اساس ماده ۱۷ از قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، دولت یا شخص مجاز از طرف آن، می‌تواند با رعایت ترتیباتی، بدون موافقت مالک دارایی فکری یا همان حق اختراع، از آن دارایی فکری بهره‌برداری و یا تحت قالب قرارداد لیسانس، آن را به شخص ثالثی واگذار کنند که تحقق این امر، متضمن افشای اطلاعات محرمانه حق اختراع در نزد ثالث یا بهره‌بردار خواهد بود که در این صورت مالک حق اختراع متحمل خسارات بسیاری خواهد شد و قانون مزبور توجهی به مسئولیت ناشی از افشای اسرار و اطلاعات حق اختراع در این مورد نداشته است. تنها در بند ۵ از قسمت (ح) ماده ۱۷ مقرر داشته که: «درخواست صدور پروانه‌ی بهره‌برداری بدون موافقت مالک مشروط به پرداخت هزینه‌ی مقرر می‌باشد» و تنها در بند مذکور به شناسایی ارزش اقتصادی و قیمت بهره‌برداری از آن دارایی فکری و حق اختراع پرداخته و مسئولیت مدنی ناشی از اعطای لیسانس اجباری را به بوته فراموشی سپرده است. در صورتی که آوردن این مسئولیت و جبران خسارات ناشی از آن از سوی شخص بهره‌بردار یا دولت یا هر دو اجتماعاً در کنار هزینه مقرر در بند ۵ از قسمت (ح) ماده ۱۷ ضروری به نظر می‌رسد.

مسئول جبران خسارات

در رابطه با مسئول جبران خسارات در رابطه با افشای اسرار تجاری و اعطای لیسانس اجباری از سوی دولت سه نظر قابل ارائه است که به تبیین آن می‌پردازیم:

۱. در خصوص اعطای لیسانس اجباری، کسی که باید اقدام به جبران خسارت کند، شخصی است که از این لیسانس استفاده کرده است، بنابراین تطبیق آن با مسئولیت مدنی دولت (که مجوز را صادر کرده) صحیح به نظر نمی‌رسد.

به نظر می‌رسد که نظر اول را می‌توان بر اساس نظریه «قابلیت استناد»، صحیح دانست. مقصود ما از قابلیت استناد، قابلیت استناد زیان به عامل زیان است؛ به این معنی که هرگاه زیانی پدید می‌آید، مسئولیت جبران خسارت بر عهده کسی است که این زیان مستند به عمل (فعل یا ترک فعل) او باشد (مبین، ۱۳۹۰: ۹۸). از دیدگاه حقوق ایران نظریه «سبب نزدیک و بلاواسطه»، ضابطه اصلی است و به مواد ۵۲۰ قانون آئین دادرسی مدنی سال ۱۳۷۹ و همچنین به ماده ۳۳۲ قانون مدنی و مواد ۳۶۳ و ۳۶۴ قانون مجازات در درستی نظریه «سبب نزدیک و بلاواسطه»، استناد شد (بهرامی احمدی، ۱۳۹۴: ۱۴۱) که به نظر می‌رسد نظر اول را می‌توان بر اساس این نظریه تقویت کرد و آن را صحیح دانست.

۲. در خصوص اعطای لیسانس اجباری از سوی دولت، هر دوی شخص بهره‌بردار و دولت اجتماعاً و به نحو تضامن مسئول هستند و در جهت رعایت اصل حمایت از زیان‌دیده و اصل باقی نماندن خسارات جبران نشده و با توجه به برتری دولت نسبت به شخص بهره‌بردار در جبران خسارات و بر اساس اینکه عامل اصلی و ابتدایی جهت افشای اطلاعات تجاری دولت بوده است می‌توان مسئولیت تضامنی را در این مورد اعمال کرد و علاوه بر شخص بهره‌بردار دولت را نیز مسئول دانست. مسئولیت تضامنی در بعضی موارد در حقوق ایران جایگاه شناخته شده‌ای دارد از جمله در قانون مدنی در باب غصب و در قانون مسئولیت مدنی در خصوص مسئولیت کارگران و کارکنان اداری. علاوه بر این، می‌توان بنا بر میزان تقصیر هر یک از دو عامل شخص بهره‌بردار و دولت آن‌ها را مسئول دانست یا به نظریه «تساوی اسباب» متوسل شد.

۳. با توجه به اینکه عامل اصلی و ابتدایی جهت افشای اطلاعات تجاری دولت بوده است و لیسانس اجباری از سوی دولت به شخص بهره‌بردار واگذار شده و رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و عامل زیان متوجه دولت است و بعضاً ممکن است که شخص بهره‌بردار اطلاعی از اجباری بودن لیسانس نداشته باشد در صورت افشای اسرار تجاری از طریق اعطای لیسانس اجباری از سوی دولت، مسئولیت متوجه دولت است. مسئولیت مدنی دولت نتیجه منطقی حاکمیت قانون است و عدالت حکم می‌کند

که هیچ قانون‌شکنی و زیانی چه مادی و چه معنوی بدون جبران باقی نماند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۷: ۶۲)

نظر سوم با استناد به نظریه سبب مقدم در تأثیر نیز قابل دفاع است. هرچند که این نظریه نیز دارای ایرادات قابل توجهی است منتها در دفاع از نظر سوم و مسئول دانستن دولت می‌توان از آن استفاده کرد. بر مبنای این نظریه، هرگاه چند عمل و حادثه، موجب ورود ضرر به دیگری شوند، باید عمل و حادثه‌ای را سبب اصلی تلقی کرد که تأثیر آن در ایجاد ضرر، از حیث زمانی، زودتر و مقدم بر سایر حوادث است (باریکلو، ۱۳۹۶: ۱۶۳).

در ماده ۱۷ از قانون مذکور، دلیل اعطای لیسانس اجباری از سوی دولت اقتضای منافع ملی است و به نظر می‌رسد که قانون‌گذار در این قانون متأثر از بخش آخر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی که در رابطه با معافیت مسئولیت دولت در موارد اعمال حاکمیت است منافع ملی و عدم مسئولیت دولت را در موارد نیاز و بدون وجود عنصر تقصیر به حقوق افراد جامعه ترجیح داده است که از جمله این حقوق می‌تواند حق حفاظت از اطلاعات محرمانه تجاری باشد. با توجه به اینکه نظام حقوقی ایران مبتنی بر حقوق اسلام است و بر اساس حقوق اسلامی چنین ترجیحی قابل ایراد است و با توجه به قاعده «لاضرر»^۱ در فقه اسلامی، باید در این موارد اصلاحاتی اعمال شود. از آنجایی که می‌توان مبنای مسئولیت مدنی دولت را نظریه خطر دانست و دولت را به لحاظ منفعی که از افراد جامعه تحصیل می‌کند از قبیل زکات، خمس، جزیه، دارایی، مالیات و عوارض، در قبال اعمال زیان‌بار خود به صرف اثبات ورود ضرر و رابطه سببیت مسئول دانست (Hosseinpour, 2014: 5285) که از جمله آن‌ها می‌توان به اعطای لیسانس اجباری حق اختراع، بدون موافقت مالک اشاره کرد و باید هم در مورد ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و هم در رابطه با ماده ۱۷ قانون ثبت اختراعات، تجدیدنظر کرد که خوشبختانه در این راستا اقداماتی صورت گرفته و لایحه‌ای تنظیم و مطرح شده که متضمن تحول‌های چشمگیری در این حوزه است که امید است با تصویب آن از سوی

۱. «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام»

مجلس محترم شورای اسلامی، موضوع مصونیت دولت در برابر زیان‌های وارده بر افراد جامعه، به‌طورکلی از میان برداشته شود. در ماده یکم از لایحه جدید دولت در رابطه با مسئولیت مدنی دولت و مؤسسات عمومی، اصل مسئولیت مدنی دولت و مؤسسات عمومی بر مبنای نظریه تقصیر، بدون تفکیک بین اعمال حاکمیت و اعمال تصدی، پذیرفته شده است. درحالی‌که از ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، اصل عدم مسئولیت دولت قابل استنباط است و پذیرش مسئولیت در اعمال تصدی جنبه استثنایی دارد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۳۳۹).

۴-۱. قانون مدنی

در رابطه با قانون مدنی و نظریات مرتبط لازم به ذکر است که دو نظریه قابل طرح است که عبارت‌اند از: ۱. نظریه خطر و ۲. نظریه قابلیت استناد که به تبیین هر یک از آن‌ها می‌پردازیم:

۱-۴-۱. نظریه خطر

در قانون مدنی با پیروی از فقه اسلامی، نظریه خطر بر نظریه تقصیر غلبه دارد. قانون مدنی از ماده ۳۲۸ تا ۳۳۵ مباحث مرتبط با مسئولیت غیر قراردادی را در فصل «ضمان قهری» و تحت عناوین «اتلاف و تسبیت» مدون کرده است (عسگرزاده، ۱۳۹۷: ۴۲). پیروان نظریه خطر در این امر اتفاق نظر دارند که تقصیر در زمره ارکان ایجاد مسئولیت نیست و به گفته آنان، همین‌که شخص زیانی به بار آورد، باید آن را جبران کند خواه کاری که سبب ایجاد ضرر شده است، صواب باشد یا خطا (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۸۵). به وجود آوردن محیط‌های خطرناک، غالباً مربوط به نظام معاملات کالا محور است که معمولاً در محیط‌های صنعتی و تولیدی مشاهده می‌شود و با توجه به مبنای مقرر از نظریه خطر نمی‌توان مسئولیت بدون تقصیر ناشی از افشای اسرار تجاری را توجیه کرد و همچنین با توجه به عناوین مواد فوق‌الذکر از قانون مدنی به نظر می‌رسد که بیشتر مربوط به نظام معاملات کالا محور است. متنها با توجه به اینکه قانون‌گذار در

نظام حقوقی ایران در مواردی مسئولیت بدون تقصیر را پذیرفته است می‌توان با بررسی شرایط و اوضاع و احوال و با وجود دلایلی منطقی و حقوقی، مسئولیت بدون تقصیر را در رابطه با افشای اسرار تجاری پذیرفت. به همین دلیل، بررسی امتیازات نظریه خطر یا همان مسئولیت بدون تقصیر و پاسخ‌های طرفداران نظریه تقصیر و تحلیل آن در مورد افشای اسرار تجاری ضروری و حائز اهمیت است. طرفداران نظریه خطر در جهت حمایت از این نظریه، امتیازاتی را بیان کرده‌اند که تحلیل و بررسی برخی از این امتیازات در رابطه با افشای اسرار تجاری و تعیین مبنای مسئولیت مدنی ناشی از آن از اهمیت بسزایی برخوردار است که عبارت‌اند از:

۱. با مبنا قرار دادن نظریه خطر، به صرف اثبات ورود ضرر و رابطه سببیت از سوی زیان دیده، عامل زیان مسئول جبران خسارات می‌شود و بار سنگین اثبات تقصیر، از دوش زیان‌دیده برداشته می‌شود و در راستای حمایت از زیان‌دیده است و در نتیجه اثبات دعاوی مسئولیت مدنی، آسان‌تر می‌شود که این سهولت، در رابطه با اسرار تجاری و افشای آن از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا به دلیل وجود زیان‌های مستمر، این سهولت موجب فوریت در موقوف شدن عملیات زیان‌بار می‌شود که از ضروریات زیان‌های مستمر است که قانون‌گذار هم در قسم دوم ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ به آن اشاره کرده است.

۲. انصاف حکم می‌کند که از بین دو شخص که یکی از آن‌ها در نتیجه فعالیت‌های خود خساراتی را به بار آورده و دیگری هیچ کاری نکرده و تنها متحمل ورود خسارات شده است، خسارات را فاعل زیان تحمل کند، هرچند که فعالیت‌های او مجاز بوده و مرتکب تقصیری نشده باشد، زیرا در صورت لزوم اثبات عنصر تقصیر از سوی زیان‌دیده و رد کردن نظریه خطر، تا زمان اثبات تقصیر از سوی زیان‌دیده که کار نسبتاً دشواری نیز است، باید متحمل خسارات وارده شود که با توجه به وجود زیان‌های مستمر در افشای اسرار تجاری و لزوم فوریت در جلوگیری از ترویج و افشای هر چه بیشتر آن، تحمل خسارات تا زمان اثبات تقصیر، خسارات چشمگیر و غیرقابل جبرانی را بر زیان‌دیده وارد می‌کند که توسل به نظریه خطر در این موضوع تا حدودی از

تشدید خسارات می‌کاهد. البته با توجه به آنچه در قسمت قبل مطرح شد، بر اساس نظریه دوقطبی بودن مبنای مسئولیت مدنی در افشای اسرار تجاری و با توجه به قسمت آخر قسم دوم از ماده ۸ از قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، اعمال نظریه خطر در مرحله موقوف شدن عملیات زیان‌بار نیز، به‌تنهایی این مطلوب را ایجاد می‌کند.

در مقابل امتیازات بیان‌شده از سوی هواداران نظریه خطر، طرفداران نظریه تقصیر، پاسخ‌های متناسب و قابل قبولی آورده‌اند که به بیان برخی از این پاسخ‌ها و بررسی آن‌ها در رابطه با افشای اسرار تجاری می‌پردازیم:

۱. در پاسخ به این امتیاز که با به کار بردن نظریه خطر، اثبات دعاوی مسئولیت مدنی، آسان می‌شود، باید گفت که: از بین بردن مفهوم اخلاقی تقصیر نه تنها اقامه و اثبات دعاوی مسئولیت مدنی را آسان نمی‌کند، بلکه آن را مشکل می‌سازد و قاضی را در یک وادی پر نشیب و فراز دور و تسلسل می‌اندازد، زیرا وقتی تقصیر از میان برداشته شد؛ باید به دنبال شناسایی سبب مسئول رفت، در صورتی که به‌طور معمول در هر حادثه، اسباب مختلفی دخالت دارند و نظریه‌های مختلفی برای حل قضیه پیشنهاد شده است (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۳۳). این استدلال در رد نظریه خطر، در رابطه با اسرار تجاری و افشای آن‌ها، هرچند در مورد مطالبه خسارت و تعیین مسئول جبران خسارات قابل قبول باشد. منتها در رابطه با موقوف شدن عملیات زیان‌بار و قبل از ورود به دعاوی جبران خسارات، قابل قبول نیست، زیرا در این بخش از مسئولیت ورود قاضی در یک دور و تسلسل پرفرازونشیب کمتر به چشم می‌خورد. به‌گونه‌ای که به صرف اثبات ورود ضرر و رابطه سببیت با هر یک از اسباب یا با تمامی آن‌ها عملیات زیان‌بار متوقف خواهد شد و برای تعیین سبب مسئول جبران خسارات می‌توان به سراغ سبب مقصر رفت.

۲. در رابطه با امتیاز سوم و حکم انصاف، باید گفت: این دلیل بی‌آنکه خطا باشد، جامع نیست. چه این دلیل فقط به بررسی وضع زیان‌دیده می‌پردازد و از حال مباشر خسارت غافل است و حال آنکه این مباشر هم محتاج عنایتی است (حسینی نژاد، ۱۳۸۹: ۳۱-۳۲)؛ اما در رابطه با این پاسخ و موضوع افشای اسرار تجاری باید گفت: این پاسخ

در مورد مذکور کمی کمرنگ‌تر است، زیرا با توجه به دوقطبی بودن مبنای مسئولیت در افشای اسرار تجاری، در قطب اول به وضع زیان‌دیده می‌پردازد و به دلیل مستمر بودن زیان‌ها، به سرعت آن‌ها را متوقف می‌سازد و در قطب دوم نیز از حال مباشر غافل نشده و برای مسئول دانستن و جبران خسارات از سوی او، اثبات تقصیر را لازم می‌داند.

۱-۴-۲. نظریه قابلیت استناد

قابلیت استناد که تعبیر دیگری از رابطه سببیت است، مفهوم جدیدی در حقوق ایران و حتی سایر نظام‌های حقوقی نیست. حقوق‌دانان در بحث از ارکان مسئولیت مدنی، همواره مطالب بسیاری را در خصوص رابطه سببیت بین زیان و فعل زیان‌بار بیان کرده‌اند و آنچه تازگی دارد، این است که قابلیت استناد به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی مورد توجه قرار گیرد (مبین، ۱۳۹۰: ۹۷-۹۸). یکی دیگر از نظریاتی که می‌تواند مبنای مسئولیت مدنی قرار گیرد، استناد عرفی انجام فعل به شخص مسئول است و با تکیه بر این نظریه، مبنای مسئولیت شخص به جبران ضرر وارده به دیگری، استناد عرفی عمل زیان‌بار به او است (باریکلو، ۱۳۹۶: ۵۷).

در رابطه با نظریه قابلیت استناد و موضوع افشای اسرار تجاری این مطلب قابل توجه است که باید این نظریه را در این رابطه بر اساس نوع عامل زیان در دو بخش مجزا مطرح کرد: ۱. افشای اسرار تجاری توسط اشخاص صورت گیرد و ۲. افشای اسرار تجاری توسط رسانه و اعضای آن صورت گیرد.

افشای اطلاعات محرمانه تجاری خود یک تقصیر نوعی است. تقصیر به هرگونه تعدی و تفریط اطلاق می‌شود (لنگرودی، ۱۳۹۵: ۱۷۵). بنا بر تعریف تقصیر نوعی که بدین بیان است: «تقصیر عبارت است از انجام و یا ترک کار و فعلی است که اگر شخص متعارف و محتاط، در شرایط بیرونی و اجتماعی عامل آن قرار گیرد، چنین عملی را انجام نمی‌دهد یا آن را ترک نمی‌کند» (Mazeaud, 1985: 431). افشای اطلاعات کاملاً محرمانه و تجاری، فعل و عملی است که شخص متعارف و محتاط در شرایط بیرونی و

اجتماعی، این کار را انجام نمی‌دهد و اقدامات لازم جهت حفاظت از آن را ترک نمی‌کند و جزء اعمالی است که با رعایت تمام احتیاط‌ها و مراقبت‌ها احتمال وقوع آن ضعیف است. لذا بر اساس این نظر و همسو با مواد قانون مدنی در این رابطه نمی‌توان از نظریه تقصیر به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی استفاده کرد. در نظریه قابلیت استناد تقصیر اهمیتی ندارد و زیان‌دیده بایستی بتواند اثبات کند که زیان وارده مستند به عامل زیان است البته ما هم می‌پذیریم که تقصیر می‌تواند به‌عنوان یکی از معیارهای تشخیص قابلیت استناد و احراز رابطه سببیت مورد استفاده قرار گیرد (مبین: ۱۳۹۰: ۱۳۸) و لذا جهت ایجاد وحدت و اعمال قوانین داخلی و مرتبط با موضوع از جمله قانون مدنی، قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، صرفاً در حوزه افشای اسرار تجاری می‌توان از عنصر تقصیر به‌عنوان یکی از معیارهای تشخیص قابلیت استناد و احراز رابطه سببیت استفاده کرد و بنا بر نظریه قابلیت استناد بیان داشت که: هرگاه اسرار و اطلاعات مهم و محرمانه تجاری افشاء شد مسئولیت جبران خسارت بر عهده افشاء‌کننده است، زیرا این زیان مستند به عمل او است و عمل او به خودی خود و فی‌نفسه یک تقصیر نوعی است و احتمال انجام متعارف آن ضعیف است.

افشای اسرار تجاری توسط رسانه

رسانه در لغت به معنی رساندن است و در اصطلاح وسیله‌ای برای نقل و انتقال اطلاعات، ایده‌ها و افکار افراد یا جامعه و واسطه عینی و عملی در فرآیند برقراری ارتباط است و اکنون آنچه مصداق این تعریف است وسایلی همانند روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت هستند (ماهر، ۱۳۷۶: ۲۱). در رابطه با این بخش و افشای اسرار تجاری توسط رسانه، معنای خاص رسانه مدنظر است که در واقع همان مطبوعات است. اعضای مطبوعاتی یا همان روزنامه‌نگاران حرفه‌ای مخاطبین موضوع افشای اسرار تجاری و نظریه قابلیت استناد در این بخش هستند. بعضی از علمای حقوق ارتباطات هم، روزنامه‌نگار حرفه‌ای را کسی می‌دانند که شغل اصلی،

مرتبط و با اجرت او انجام امور مطبوعاتی باشد و کسانی را که به نحوی یک همکاری تصادفی با مطبوعات دارند را روزنامه‌نگار حرفه‌ای تلقی نمی‌کنند (کریمیان راوندی، ۱۳۸۶: ۱۲۷). در رابطه با مبنای مسئولیت مدنی روزنامه‌نگاران از لحاظ حقوقی و بررسی نظریه تقصیر، جنبه نوعی تقصیر مورد نظر است (حسین پور، ۱۳۹۲: ۱۵). حال چنانچه اطلاعات و اسرار تجاری و محرمانه توسط اعضای رسانه یا همان روزنامه‌نگاران منتشر و افشا شد مسئول جبران خسارات بر اساس چه مبنایی باید شناسایی شود؟

با توجه به مواد ۱، ۸ و ۱۰ از قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، مبنای مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های مطبوعاتی، نظریه تقصیر است و در صورت اثبات تقصیر هر یک از روزنامه‌نگاران و سایر اشخاص مرتبط با مطبوعات از سوی زیان‌دیده، مسئولیت متوجه او خواهد بود و از آنجایی که مسئولیت مفروض مدیر مسئول در تبصره‌های ۴ و ۷ از ماده ۹، مسئولیت کیفری است، بنابراین دلیلی برای به فرض گرفتن تقصیر مدیرمسئول وجود ندارد، پس همانند سایر روزنامه‌نگاران، در صورت اثبات تقصیر او از سوی زیان‌دیده، مسئول جبران خسارات مطبوعاتی می‌شود و بررسی آراء حقوقی و کیفری محاکم مطبوعاتی نیز مؤکد همین مطلب است و رابطه کارگر و کارفرمایی موجود در قانون کار، در بین روزنامه‌نگاران وجود ندارد و نمی‌توان مدیرمسئول یا صاحب امتیاز را به‌عنوان کارفرما و سایر روزنامه‌نگاران را به‌عنوان کارگر، مشمول ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ دانست (حسین پور، ۱۳۹۲: ۱۷۸). متها بر اساس نظریه قابلیت استناد هرگاه فعل زیان‌بار مستند به هر یک از اعضای مطبوعاتی باشد او مسئول جبران خسارات است چه مقصر باشد و چه غیر مقصر. در حقیقت، هرگاه خسارتی از یک فعل مشروع به بار آید، نظریه تقصیر به دلیل فقدان تقصیر، عامل زیان را مسئول نمی‌شناسد، ولی نظریه قابلیت استناد به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا زیان وارده مستند به عامل آن است یا خیر؟ اگر پاسخ این سؤال مثبت باشد، در صدور حکم به جبران خسارات وارده، تردید نمی‌کند و یکی از مهم‌ترین مصادیق این مورد را می‌توان در ماده ۱۳۲ قانون مدنی یافت (مبین، ۱۳۹۰: ۱۳۹) و حال آنکه تقابل و تفاوت نظریه تقصیر و نظریه قابلیت استناد در صورت ارتکاب یک فعل مشروع مشهود

و قابل درک است در صورتی که در رابطه با افشای اسرار تجاری و محرمانه با یک عمل نامشروع روبرو هستیم مگر آنکه این عمل از طریق مجوزات قانونی صورت پذیرد که نمونه آن را می‌توان در رابطه با اعطای لیسانس اجباری از سوی دولت که در مباحث قبل به‌طور مفصل بحث شد مشاهده کرد و در این صورت بنا بر نظریه قابلیت استناد چنانچه افشای اطلاعات و اسرار تجاری مستند به عمل دولت در اعطای لیسانس اجباری باشد و از این طریق خساراتی به شخصی وارد شود مسئول جبران خسارات دولت است. البته در این رابطه نظرات متفاوت است و رابطه سببیت ممکن است متوجه شخص بهره‌بردار باشد. منتها در مابقی موارد عمل افشای اسرار تجاری خود یک فعل نامشروع است و خود یک تقصیر نوعی محسوب می‌شود پس در این مورد نظریه تقصیر و نظریه قابلیت استناد فاصله چندانی ندارند و همسو هستند. منتها در رابطه با روزنامه‌نگاران و اعضای مطبوعاتی و افشای اسرار تجاری از طریق آن‌ها باید گفت که مستند کردن عمل افشای اسرار تجاری به هر یک از روزنامه‌نگاران از جمله صاحب‌امتیاز، نویسنده، خبرنگار، مدیرمسئول، چاپ‌کننده و توزیع‌کننده کار دشواری است، زیرا مجموعه‌ای از این افراد تحت عنوان یک مجله یا یک رسانه اقدام به افشای اسرار تجاری می‌کنند.

در نظام‌های حقوقی و در قوانین کشورهای مختلف، این ابهام از بین رفته و به نظر می‌رسد که بنا بر نظریه استناد عرفی که بدین معنی است که هر شخص نسبت به اعمالی مسئول است که عرفاً به او استناد داده می‌شود (باریکلو، ۱۳۹۶:۵۸)، یکی از اعضای رسانه را به‌عنوان مسئول معرفی کرده‌اند تا از ابهامات و ایجاد مشکل در شناسایی مسئول جلوگیری کنند. به‌طور مثال با استناد به قسمت آخر ماده ۶ قانون مطبوعات سال ۱۸۸۱ میلادی فرانسه: «تمامی مسئولیت‌های قانونی مربوط به نشریه بر مدیرمسئول نشریه است که برنامه‌ریزی درباره اهداف کلی نشریه را بر عهده دارد» (حسین پور، ۱۳۹۲: ۱۵۴). منتها در حقوق ایران و در قانون مطبوعات ۱۳۶۴ صرفاً به مسئولیت کیفری مدیرمسئول اشاره شده و در مورد مسئولیت مدنی باید بر اساس مبانی موجود به دنبال مسئول جبران خسارات گشت.

۲. اسناد بین‌المللی

با توجه به اینکه موضوع اسرار تجاری و قالب قراردادی لیسانس، از جمله موضوعات مربوط به تجارت بین‌الملل هستند و در سطوح معاملات تجاری بین‌المللی، از کاربرد بسیاری برخوردار است و در سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان جهانی تجارت^۱ موافقت‌نامه‌ها و اسنادی در رابطه با مالکیت‌های فکری موجود است که در برخی از مفاد آن‌ها، به موضوع حفاظت از اطلاعات محرمانه و اسرار تجاری پرداخته است. لذا برای تعیین مبنای مسئولیت مدنی در این حوزه به بررسی مهم‌ترین اسناد بین‌المللی می‌پردازیم:

۱-۲. کنوانسیون وین (۱۹۸۰)

یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در رابطه با نظام معاملات تجاری کالا محور، کنوانسیون وین ۱۹۸۰ است که در رابطه با نظام بیع بین‌الملل است. متنها در رابطه با اینکه موضوع اسرار تجاری و اطلاعات محرمانه در قرارداد لیسانس فن‌آوری که در رابطه با نظام معاملات مالکیت فکری محور و دانش‌های فنی است را بتوان بر اساس کنوانسیون وین بررسی و موضوعات قرارداد لیسانس را به‌عنوان «کالا» در نظر گرفت دچار تردید هستیم، زیرا همانند بیع در کنوانسیون، تعریفی از «کالا» ارائه نشده است. با وجود این، کالا در مقابل «مال غیرمنقول» و «خدمات» قرار می‌گیرد (Bridge, 1999: 45-46). به نظر می‌رسد با توجه به اینکه بسیاری از مواد کنوانسیون وین در رابطه با نظام معاملات کالا محور است نمی‌تواند انتظارات بازار مالکیت فکری محور را تأمین کند و در واقع دارایی‌های فکری و دانش‌های فنی را نمی‌توان به‌عنوان کالا در نظر گرفت. لذا باید به دیگر اسناد بین‌المللی که در رابطه با مالکیت‌های فکری بوده و بر اساس شرایط و اوضاع و احوال خاص نظام معاملات مالکیت فکری محور تنظیم شده، رجوع کرد تا بتوان با تعیین مبنایی عادلانه و متناسب با مالکیت‌های فکری، از حق حفظ اطلاعات و اسرار تجاری حمایت و در صورت نقض این حقوق، به بهترین نحو آن را جبران کرد.

1. World Trade Organization (WTO)

یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی مرتبط با موضوع مالکیت‌های فکری، یکی از موافقت‌نامه‌های بنیادی سازمان جهانی تجارت، تحت عنوان «موافقت‌نامه راجع به حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت (تریپس)» است.

۲-۲. موافقت‌نامه راجع به حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت (تریپس)

تریپس یکی از تلاش‌های بلندپروازانه دور اروگوئه جهت رعایت حداقل حقوق مالکیت فکری در سطح جهان است که قبلاً در گات^۱ سابقه نداشته است. طرح‌های صنعتی، حق ثبت اختراعات، طرح مدارهای یکپارچه، حفاظت از اسرار تجاری، کنترل رویه‌های ضد رقابتی در مجوزهای بهره‌برداری (لیسانس) قراردادی از مواردی است که تحت حمایت موافقت‌نامه تریپس قرار گرفته است (شیروی، ۱۳۹۳: ۱۰۶)؛ بنابراین در سطح بین‌المللی و در رابطه با مبنای مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری در قرارداد لیسانس، باید در مواد و اصول این موافقت‌نامه به دنبال مبنای موردنظر بود و تفاوت‌ها یا شباهت‌های آن را با مبنای مورد نظر در نظام داخلی حقوق ایران، تبیین و روشن کرد.

در بند (۲) ماده ۱ کنوانسیون پاریس که درصدد بیان مصادیق حقوق مالکیت صنعتی است، از اسرار تجاری ذکری به میان نیامده است. به عبارت دیگر، در هیچ سند بین‌المللی به جز تریپس راجع به اسرار تجاری بحث نشده است. در موافقت‌نامه تریپس به‌طور مفصل در رابطه با حفاظت از اطلاعات افشاء نشده بحث شده است. به طوری که بخشی از این موافقت‌نامه به این امر اختصاص داده شده است (میرحسینی، ۱۳۸۵: ۲۲۵). به موجب بند (۱) ماده ۳۹ موافقت‌نامه تریپس، اعضاء ضمن تضمین حمایت مؤثر در مقابل رقابت غیرمنصفانه به نحو مقرر در ماده ۱۰ مکرر کنوانسیون پاریس (۱۹۶۷) از اطلاعات افشاء نشده بر حسب بند (۲) و از اطلاعات ارائه شده به دولت یا مؤسسات دولتی بر حسب بند (۳) حفاظت خواهند کرد.

(Agreement Between the WIPO and the WTO Agreement on Trade Related

1. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

intellectual property Rights, 1997: 38-39)

همان‌طور که در بند (۲) ماده فوق آمده است، اشخاص حقیقی و حقوقی از این امکان برخوردارند که از افشای اطلاعاتی که قانوناً تحت کنترلشان قرار دارد یا از دستیابی و استفاده دیگران از این اطلاعات بدون رضایت آن‌ها و به‌گونه‌ای مغایر با اعمال تجاری شرافتمندانه، جلوگیری به عمل آورند. به شرطی که این اطلاعات: الف. به این معنا محرمانه باشد که به‌عنوان یک مجموعه یا ترکیب یا سرهم کردن دقیق اجزاء آن، اشخاص درون محافلی که معمولاً با این نوع اطلاعات سروکار دارند عموماً از آن آگاهی نداشته باشند یا دسترسی این اشخاص به اطلاعات مزبور به‌سادگی امکان‌پذیر نباشد؛ ب. به خاطر محرمانه بودنش دارای ارزش تجاری باشد؛ ج. حسب اوضاع و احوال، شخصی که قانوناً کنترل اطلاعات مزبور را در اختیار دارد برای محرمانه نگه داشتن آن اقدامات معقولی را به عمل آورده باشد.

(Agreement Between the WIPO and the WTO Agreement on Trade Related intellectual property Rights, 1997: 38-39)

بر اساس بند (۳) ماده فوق، هنگامی که اعضاء ارائه آزمایش یا سایر اطلاعات افشا نشده را که تهیه آن‌ها مستلزم تلاش قابل توجهی است، به‌عنوان شرطی برای تأیید بازاریابی محصولات دارویی یا محصولات شیمیایی مربوط به کشاورزی را که در آن‌ها مواد شیمیایی جدیدی به کار رفته است لازم می‌دانند، از چنین اطلاعاتی در مقابل استفاده تجاری غیرمنصفانه حفاظت خواهند کرد. اعضا به‌علاوه برای جلوگیری از افشای این داده‌ها از آن‌ها حفاظت خواهند کرد، مگر در مواردی که این افشا برای حفاظت از عامه مردم ضرورت داشته یا اقداماتی برای تضمین حفاظت از اطلاعات در مقابل استفاده تجاری غیرمنصفانه به عمل آمده باشد.

(Agreement Between the WIPO and the WTO Agreement on Trade Related intellectual property Rights, 1997: 39)

علاوه بر بخش هفتم و ماده ۳۹ از موافقت‌نامه تریپس در مواد دیگری از موافقت‌نامه مزبور به موضوع حفاظت از اطلاعات محرمانه و زیان‌های مستمر و لزوم فوریت در جلوگیری از ترویج و اشاعه هر چه بیشتر آن شده است؛ که از جمله آن‌ها

می‌توان به بند ۱ از ماده ۴۱ این موافقت‌نامه اشاره کرد که بیان می‌دارد: «اعضا تضمین خواهند کرد رویه‌های اجرایی مقرر در این قسمت طبق قوانینشان در دسترس قرار گیرد، به گونه‌ای که اقدام مؤثر علیه هر عمل ناقض حقوق مالکیت فکری مشمول موافقت‌نامه حاضر ممکن شود: از جمله وسایل جبران خسارت سریع برای جلوگیری از نقض و وسایل جبران خسارتی که مانع نقض بیشتر شوند» و همچنین موارد دیگری از توجه شارعین تریپس بر وجود زیان‌های مستمر و جدی را می‌توان در مواد ۴۶، ۴۷ و بند ۲ از ماده ۵۰ مشاهده کرد. یا در قسمت آخر از ماده ۴۲ که در رابطه با رویه‌های عادلانه برای تشخیص و حفظ اطلاعات محرمانه بیان می‌دارد: «در رویه‌های مزبور طریقی برای تشخیص و حفظ اطلاعات محرمانه در نظر گرفته خواهد شد، مگر اینکه چنین اقدامی با الزامات قانونی موجود مغایرت داشته باشد» یا در ماده ۴۳ و در رابطه با مدارک، دستور مقام‌های قضایی بر ارائه مدارک را مشروط به در نظر گرفتن شرایطی می‌داند که حفظ اطلاعات محرمانه را در موارد خاص تضمین کند.

موافقت‌نامه تریپس پس از حمایت از اطلاعات محرمانه تجاری و لزوم بر حفاظت از آن‌ها در مواد متعدد، نهایتاً در ماده ۴۵ به موضوع جبران خسارات و مسئولیت مدنی ناشی از نقض یک حق مالکیت فکری می‌پردازد که از جمله این حقوق همان‌طور که در مواد متعدد به آن اشاره کرده است، حق حفاظت از اطلاعات و اسرار تجاری است. در واقع مهم‌ترین ماده از موافقت‌نامه مزبور در تعیین مبنای مسئولیت مدنی ناشی از نقض یک حق مالکیت فکری تحت عنوان «افشاری اسرار تجاری^۱ در قرارداد لیسانس فناوری» ماده ۴۵ است که به تحلیل و بررسی آن می‌پردازیم:

ماده ۴۵ از موافقت‌نامه تریپس مقرر می‌دارد: «۱. مقام‌های قضایی از این اختیار برخوردار خواهند بود که به نقض کننده یک حق مالکیت فکری دستور دهند که به دارنده این حق خسارت کافی برای جبران زیان وارده به او در نتیجه نقض این حق توسط شخص نقض کننده‌ای که می‌دانسته یا دلایل معقولی در اختیار داشته که بداند در فعالیتی متضمن یک حق مالکیت فکری درگیر است، بپردازد؛ ۲. مقام‌های قضایی

1. trade secret

همچنین از این اختیار برخوردار خواهند بود که به نقض‌کننده یک حق مالکیت فکری دستور دهند که هزینه‌های دارنده این حق از جمله حق‌الوکاله را بپردازد. اعضا می‌توانند در موارد مقتضی به مقام‌های قضایی اجازه دهند امر به جبران منافع و یا پرداخت خسارت از پیش تعیین شده حتی در مواردی نمایند که نقض‌کننده نمی‌دانسته یا دلایل معقول در اختیار نداشته که بدانند در فعالیتی متضمن نقض یک حق مالکیت فکری درگیر است». چنانچه ملاحظه می‌شود در بند ۱ از ماده مزبور با توجه به عبارت «.. شخص نقض‌کننده‌ای که می‌دانسته یا دلایل معقولی در اختیار داشته که بداند...»، صراحتاً به وجود عنصر تقصیر برای جبران خسارات اشاره می‌کند که مطابق با قاعده عام ماده ۱ و قسم دوم از ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی ایران است. متنها ماده ۴۵ از موافقت‌نامه تریپس محدود به این بند نیست و در بند ۲ علی‌رغم بیان قاعده و مبنای اصلی در بند ۱، استثنائی را مطرح می‌کند که نظرات مختلفی در رابطه با این بند قابل طرح است که به تبیین و بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۱. بر اساس بند ۱ از ماده ۴۵ موافقت‌نامه تریپس، به‌عنوان یک قاعده عام، مبنای مسئولیت مدنی ناشی از نقض یک حق مالکیت فکری از جمله حق حفاظت و عدم افشای اسرار تجاری، نظریه تقصیر است و در صورتی که شخص نقض‌کننده یا عامل زیان می‌دانسته یا دلایل معقولی در اختیار داشته باشد که بدانند مسئول جبران خسارات است. متنها در موارد مقتضی و با توجه به شرایط و اوضاع و احوال خاص، به مقام‌های قضایی اجازه داده شده که به‌طور استثنائی در مواردی قائل به مسئولیت بدون تقصیر شوند و حتی در مواردی که عامل زیان نمی‌دانسته یا دلایل معقول در اختیار نداشته که بدانند و مرتکب هیچ‌گونه تقصیری نشده، نقض‌کننده را مسئول جبران خسارات بدانند که این نظریه مطابق با نظر برخی از حقوقدانان در نظام حقوقی ایران است چنان‌که مقرر می‌دارند: «نظر دیگری که اقوی می‌نماید و با فقه اسلامی و مبنای قانون مدنی هم بیشتر سازگار است و از جمع بین قوانین موضوعه به دست می‌آید و امروز ظاهراً قول مشهور حقوقدانان را تشکیل می‌دهد آن است که ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی که مبنای تقصیر را پذیرفته یک قاعده عام است که بیشتر موارد مسئولیت مدنی را در برمی‌گیرد،

ولی در مواردی مسئولیت نوعی یا بدون تقصیر در قوانین ما پذیرفته شده که به نظر می‌رسد استثناء بر قاعده عام مذکور و در واقع مخصص آن به شمار می‌آید» (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۸۳). این گونه تفسیر و تحلیل از ماده ۴۵ موافقت‌نامه تریپس با یک ایراد اساسی مواجه است و اینکه بند ۲ از ماده مزبور در مقام بیان مسئولیت‌های قراردادی و از پیش تعیین شده است و شارعین موافقت‌نامه به دلیل تردید و اختلاف نظر در این موضوع تأکید کرده‌اند که در رابطه با مسئولیت‌های قراردادی و جبران منافع و خسارات از پیش تعیین شده، نیازی به وجود عنصر تقصیر نیست و نقض مفاد قرارداد خود منجر به ایجاد مسئولیت قراردادی می‌شود.

۲. ماده ۴۵ از موافقت‌نامه تریپس در بند ۱ در مقام بیان الزامات خارج از قرارداد و در بند ۲ در مقام بیان مسئولیت قراردادی است و بر اساس بند ۱ از ماده مزبور، مبنای مسئولیت مدنی ناشی از نقض یک حق مالکیت فکری، مبتنی بر نظریه تقصیر است. لزوم وجود مسئولیت بدون تقصیر در موقوف شدن عملیات زیان‌بار به دلیل وجود زیان‌های مستمر را می‌توان از سایر مواد موافقت‌نامه تریپس که از جمله آن‌ها مواد ۴۱، ۴۶، ۴۷ و ۵۰ است، استخراج کرد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش را در چهار بند بیان می‌کنیم:

۱. بر اساس قوانین داخلی مبنای مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری مبتنی بر نظریه مختلط است، زیرا در برخی از قوانین صراحتاً نظریه تقصیر و برخی دیگر از قوانین به سمت مسئولیت بدون تقصیر رفته‌اند. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات ۱۳۷۸ و قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ صراحتاً به نظریه تقصیر اشاره دارند و بر اساس بخشی از مواد قانون مدنی و قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری می‌توان مبنای مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار تجاری را مبتنی بر نظریه خطر یا نظریه قابلیت استناد دانست.

۲. یکی از مهم‌ترین منابع قانونی و بین‌المللی در این رابطه، یکی از

موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی با عنوان موافقت‌نامه‌ی راجع به حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت (تریپس) است. ماده ۴۵ از موافقت‌نامه تریپس در بند ۱ در مقام بیان الزامات خارج از قرارداد و در بند ۲ در مقام بیان مسئولیت قراردادی است و بر اساس بند ۱ از ماده مزبور، مبنای مسئولیت مدنی ناشی از نقض یک حق مالکیت فکری، مبتنی بر نظریه تقصیر است. لزوم وجود مسئولیت بدون تقصیر به دلیل وجود زیان‌های مستمر را می‌توان از سایر مواد موافقت‌نامه تریپس از جمله مواد ۴۱، ۴۶، ۴۷ و ۵۰ استخراج کرد. به این ترتیب مبنای مسئولیت مدنی در این موضوع بر اساس موافقت‌نامه تریپس، مبتنی بر مبنایی ترکیبی یا نظریه مختلط در موضوع واحد است.

۳. افشای اسرار تجاری از جمله مواردی است که ارتکاب غیرقانونی آن، منجر به ورود خسارات مستمر خواهد شد و از جمله موضوعات مهم در خسارات مستمر جلوگیری از ادامه‌ی تأثیرات عمل زیان‌بار است. لذا نمی‌توان این‌گونه بیان کرد که مبنای مسئولیت مدنی، نظریه تقصیر است، زیرا روند اثبات تقصیر افشاء‌کننده از سوی زیان‌دیده منجر به طولیل شدن زمان دادرسی و باقی بودن اثرات زیان می‌شود و با توجه به اینکه در نظام حقوقی ایران دلیل و مبنایی جهت فرض بر تقصیر و مسئولیت مطلق نیست لذا باید به دنبال نظریات مسئولیت بدون تقصیر بود. نظریه خطر، نظریه قابلیت استناد یا نظریه استناد عرفی در این مورد مناسب‌تر هستند منتها اکثریت قوانین داخلی به سمت نظریه تقصیر هستند و با توجه به اینکه افشای اطلاعات محرمانه فی‌نفسه خود یک تقصیر نوعی است. لذا جهت همسو شدن با اکثریت قوانین و با توجه به وجود زیان‌های مستمر و توقیف عملیات زیان‌بار نظریه قابلیت استناد نسبت به نظریه خطر ارجح است.

۴. در خصوص اعطای لیسانس اجباری از سوی دولت، با توجه به قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری هر دو شخص بهره‌بردار و دولت اجتماعاً و به نحو تضامن مسئول هستند و در جهت رعایت اصل حمایت از زیان‌دیده و اصل باقی نماندن خسارات جبران نشده و با توجه به برتری دولت نسبت به شخص بهره‌بردار و بر اساس اینکه عامل اصلی و ابتدایی جهت افشای اطلاعات دولت بوده

است می‌توان مسئولیت تضامنی را در این مورد اعمال کرد و علاوه بر شخص بهره‌بردار دولت را نیز مسئول دانست. مسئولیت تضامنی در بعضی موارد در حقوق ایران جایگاه شناخته شده‌ای دارد از جمله در قانون مدنی در باب غصب و در قانون مسئولیت مدنی در خصوص مسئولیت کارگران و کارفرما.

منابع

الف. فارسی

- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۴) مسئولیت مدنی، تهران: نشر میزان.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۴) کلیات عقود و قراردادها، تهران: نشر میزان.
- باریکلو، علی‌رضا (۱۳۹۶) مسئولیت مدنی، تهران: نشر میزان.
- حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۸۹) مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات مجد.
- حسین پور، محمدرضا (۱۳۹۲) مسئولیت مطبوعاتی، قم: انتشارات مؤلف.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳) حقوق تجارت بین‌الملل. تهران: انتشارات سمت.
- صفایی، حسین (۱۳۹۲) حقوق بیع بین‌المللی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صفایی، حسین (۱۳۹۲) حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، قم: انتشارات میزان.
- صفایی، حسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۳) مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران: انتشارات سمت.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۷) حقوق اداری تطبیقی، تهران: انتشارات سمت.
- عسگرزاده، علیرضا (۱۳۹۷) بیمه‌های مسئولیت و طرح‌های خاص. تهران: پژوهشکده بیمه مرکزی.
- قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۸۷) مبانی مسئولیت مدنی، قم: نشر دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷) الزام‌های خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کریمیان راوندی، مهدی (۱۳۸۶) مسئولیت مدنی روزنامه نگاران، تهران: نشر دادگستر.

لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۴) حقوق تعهدات، قم: چاپ مدرسه عالی امور قضائی و اداری.

لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۵) ترمینولوژی حقوق، تهران: نشر گنج دانش.
 ماهر، فرهاد (۱۳۷۶) روانشناسی اجتماعی کاربردی، تهران: موسسه انتشارات.
 میر حسینی، حسن (۱۳۸۵) مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی. تهران: نشر میزان.
 مبین، حجت (۱۳۹۰) نظریه قابلیت استناد، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
 وصالی محمود، رضا (۱۳۷۸) «تجزیه و تحلیل مقررات مربوط به علائم تجاری در حقوق ایران و تطبیقی»، پایان‌نامه دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

ب. انگلیسی

Ameri, Parviz and Hossein pour, Mohammadreza. (2014) "The Basic of the Journalists Civil Liability", Bothalia Journal, pp.34-65.
 Bridge, Michael (1999) The International Sale of Goods Law and Practice. London: Oxford University Press.
 Hossein pour, Mohammad Reza (September 2014) "Review of Legal Rules of the Tax based on the Liability and the Base of Civil Responsibility", International Journal of Current Life Sciences, Vol.4, Issue.9, pp. 5285, 5286.
 WIPO (1997) Agreement Between the WIPO and the WTO Agreement on Trade Related intellectual property Rights. Geneva: WIPO
 Levmore, Saul (1994) Foundation of Tort Law. New York: Oxford University Press.

ج. فرانسه

Mazeaud, Henri ET Lecon (1985) Par Francois Chabas, Lecons de Droit Civil, T. 1, Septimeedition, Montchrestien. Paris.